

رئیس‌جمهور سودان، جعفر نمیری از رهبران عربی بود که با خاشقجی روابط دوستانه داشت. دهه هفتاد سودان درگیر بحران اقتصادی بزرگی شد و نمیری نیازمند وام فوری دویست میلیون دلاری بود. خاشقجی قصد داشت به دوست خود کمک کند و به این نتیجه رسید که فقط فیصل پادشاه عربستان می‌تواند کمک کند. بین فیصل و نمیری دوستی زیادی وجود نداشت. خاشقجی می‌دانست که نمیری قبل از آنکه او برای باز کردن کیف پولش موافقت کند، باید با موضوع مهم‌تری راهی به قلب پادشاه سعودی پیدا کند. او فوراً به اورشلیم فکر کرد.

تنها تاجری زیرک مثل خاشقجی بود که می‌توانست به چنین معامله گردشگی پیشرفته‌ای فکر کند. او به خوبی فیصل را می‌شناخت و می‌دانست که آرزوی بزرگ

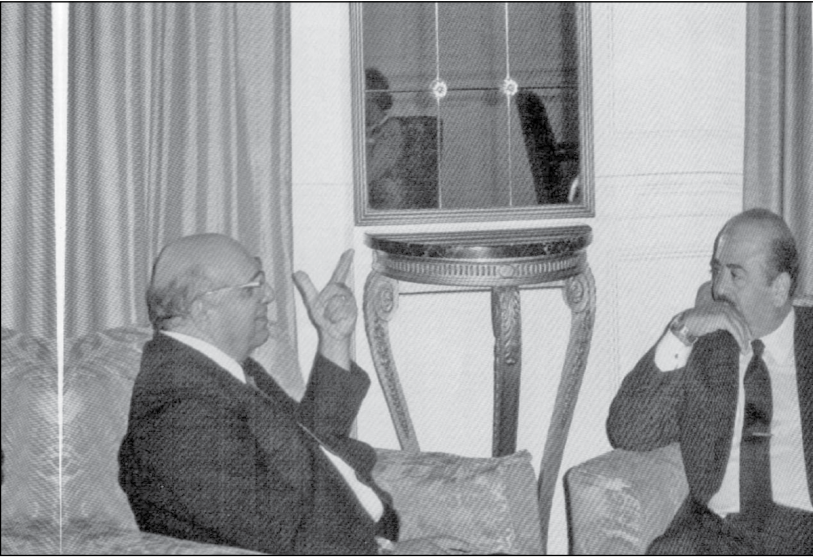
آدیس‌آبابا پرواز می‌کنیم.»

علامت شناسایی روی هواپیمای خاشقجی، آمریکایی بود. خاشقجی بعد از آنکه تأیید فرسود در آدیس‌آبابا را دریافت کرد، از برج کنترل خواست که به دفتر امپراتور اعلام کند که رئیس‌جمهور سودان برای دیدار آمده است. هایلِه سلاسی این گزارش را باور نکرد تا آن که نمیری را با چشمان خود دید.

در جلسه با امپراتور، سلیم عیسی مشاور نمیری و خاشقجی نیز حضور داشتند. نمیری، خاشقجی را به عنوان تاجری سعودی به امپراتور معرفی کرد. خاشقجی خاطر‌نشان کرد که آماده کمک به اتیوپی است و در همان زمان جزئیات برنامه‌اش را گفت و از امپراتور برای ملاقات با پاپ درخواست کمک کرد. امپراتور پاسخ داد: «مشکلی نیست» و دستور هماهنگی این

«آمید و شکست» **خاطرات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امنیتی یعقوب نیمرودی برای اسرائیل – ۲۳**

معامله گردشگی



ملاقات را داد که در واقع بعد از دو هفته بر گزار شد.

آگاهی از اینکه همه‌چیز خوب پیش می‌رود، به خاشقجی جرئت داد که نمیری را به ریاض ببرد. ملک فیصل هم از آمدن ناگهانی رئیس‌جمهور سودان شوکه شد. ملک فهد خواستار روشن‌سازی هدف آن‌ها از آمدن شد. خاشقجی داستان این موضوع را توضیح داد. فهد رفت که به ملک فیصل گزارش دهد

در طول چهار ساعت جلسه آن دو با هم

در خارطوم، خاشقجی به نمیری جزئیات این

برنامه را توضیح داد و او را متقاعد کرد که

به آدیس‌آبابا برود. پادشاه سودانی برای فکر

کردن فرصت خواست. خاشقجی برای من

تعریف کرد: «ساعت سه صبح من را بیدار

کرد و اطلاع داد: بهتر است هواپیمای‌تان

آماده‌باشد. ما بلافاصله بعد از صبحانه به

خاشقجی می‌دانست که نمیری قبل از آنکه او برای باز کردن کیف

پولش موافقت کند، باید با موضوع مهم‌تری راهی به قلب پادشاه

سعودی پیدا کند. او فوراً به اورشلیم فکر کرد. تنها تاجری زیرک مثل

خاشقجی بود که می‌توانست به چنین معامله گردشگی پیشرفته‌ای

فکر کند. او به خوبی فیصل را می‌شناخت و می‌دانست که آرزوی

بزرگ قلبی او نماز خواندن در «مسجدالاقصی» در اورشلیم است.

حراست از امانت‌های الهی

(وَلَدِّينَ هُمۡ لِأَمَانَتِهِمْ وَعَهْدِهِمۡ رَاعُونَ) ^(۱)

هر کسی درباره خانواده‌اش مسئول است. از او

خواهند پرسید: با خانواده‌ات، با عیالت چه کردی؟

تعلیمات اسلامی را به او یاد دادی؟ بچه‌ها را چگونه

تربیت کردی؟ مقصود، این نیست که الزامات

کنیده، نه شما به آنها بگو کردند که کردند، نکردند

هم که نکردند. فقط آنچه لازم بود به آنها گفتی،

شما در پیشگاه پروردگار معذور هستی. به اولادت

هم بگو، به همه بگو.

اما یک معانی دقیق‌تر از این معانی هم هست

که شما بر اعضا و جوارح مسئول هستی:

«كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»، «دست، پا، چشم، زبان

و تمام اعضا و جوارح، رعایای شماست و شما بر

اینها حاکم هستید که وقتی اراده می‌کنید، دست

پا یا هر حرکت کند، خدا نفسِ ناطقه را از عالم امر

آورده و در وجود تو گذاشته که متحرک بشود. نکند

خدایی نکرده – در اثر معصیت، آن نفس

ناطقه تیره بشود! علامت تیره شدن آن، این

است که قلب در حجاب می‌رود و به تبع آن،

قلب عقلانی هم ناراحت می‌شود. این، به خاطر

رابطه‌ای است که نفسِ ناطقه با این قلب صنوبری

دارد.»

کمترین درجهٔ استقامت

(و لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَقَذَّرُوا عَنْهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ

أَتَتْكُمۡ)، «اگر بنا را نمی‌توانی بالا ببری – حالا با

شیطن نمی‌گذاری و یا نفس نمی‌گذاری و یا دنیا

و تعلقات نمی‌گذاری – لاقال نگذار خراب بشود

که باز دو مرتبه یک سال عقب برگردی. لاقال

استقامت کن، داداش جون! تنها کسی در دربار

حضرت حق به رستگاری بزرگ نایل می‌شود که به

واسطهٔ کوشش، جدّیت و خشوع در انجام خدمت،

عقل و خردش بر نفسِ امارداش غلبه کند؛ (۵)

(فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا).^(۶)

راه احساس بی‌نیازی از دیگران

اگر یک در آسمانی را به خود باز کنی، دیگر آن

قدر احساس استغنا می‌کنی که خودت تمام درهای

دیگر را بر خود می‌بندی و دیگر به دیگران احتیاج

نداری؛ چون غیر خدا در نظر، دیگر موضوعیتی

ندارند. «عَظُمَ الْخِلَافُ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ صَغُرَ مَا دُونَهُ فَيَ

أَعْيَنُهُمْ»، «هرچه هم مدّ ما دونه را بکنی، کار

درست نمی‌شود؛ بلکه باید عمل کنی و واقعاً درهای

غیر خدا را بر خودت ببندی. اگر درها را نبندی و

این روایات را با سرر و صدا بخوانی و منش را هم

بکنی؛ خود این روایات، حجاب و مانع می‌شود؛ چون

«كَلِمَاتُ يَشْكُلَنَّ لَكَ اللَّهُ فُؤَادَ شَكَمَكَ، هر چیزی

که تو را یاد خدا مشغول کند، همان، صنم و بت

توست.» لازم نیست که بت بت‌پرانی و بتگذاری

آن جا، او را برپرستی تا بت‌پرست باشی. همین

اشغالات، تو را بیچاره کرده است.

حقیقت تولد

وقتی که سؤال می‌کنند: یا رسول الله! تو کُل را

پاورقی

Research@kayhan.ir

سادات به قاهره فرستاد.»

متأسفانه، کادر امنیت آمریکایی موفق به جلوگیری از قتل سادات نشده؛ اما اگر دولت واشنگتن به خاشقجی در سال ۱۹۷۹ گوش می‌کرد و به جعفر نمیری در برنامه‌های توسعه‌اش کمک می‌کرد، شاید او خلع نمی‌شد و نیازی نبود که ایالات متحده آمریکا خارطوم را با موشک‌های توماهاک در آگوست ۱۹۹۸ در پاسخ به حمله تروریستی وحشتناک به سفارت آمریکا در نایروبی پایتخت کنیا، بمباران کنند. در این حمله حدود دویست و پنجاه نفر از جمله دوازده دیپلمات آمریکایی کشته و بسیاری مجروح شدند.

در هر صورت، برای رسیدگی و کمک بموقع به سودان و نمیری، خاشقجی دیداری باورنکردنی با دوستان و همکاران اسرائیلی‌اش در خارطوم ترتیب داد. این دیدار در سال ۱۹۷۹ بود. پنج نفر به این‌د دیدار تاریخی دعوت شدند: آل شویمر، دیب کیمچی، رحبوا واردی، هانک‌گرنسپن و من. با هواپیمای شخصی خاشقجی، با پروازی از نایروبی در خارطوم فرود آمدیم و فوراً با جعفر نمیری ملاقات کردیم. این گفت‌وگویی واقعی و هدمفند بود که به منظور تلاش برای ایجاد روابط اقتصادی با کشوری مسلمان که با اسرائیل ارتباطی نداشت، طراحی شده بود.

انگار خواب می‌دیدیم. سخت بود باور کنیم که در سودان، در کاخ یکی از معروف‌ترین سلاطین جهان عرب هستیم و او با ما دست می‌دهد، از ما پذیرایی می‌کند، با ما صحبت می‌کند و ما را برای انجام معامله با خود ترغیب می‌کند. این قدرت عدنان خاشقجی بود. هر چیزی برای او ممکن بود.

نمیری برای ما توضیح داد که نیازمند کمک برای توسعه اقتصادی است. او درخواست کرد که با اسرائیل ارتباط دائمی برقرار کند. م: جعفر نمیری- پس از تصفیه همیمانان چپ‌گرای داخلی خود سعی کرد به جریان‌های اسلام‌گرا و به طور مشخص حسن الترابی که ۷ سال در زندان رژیم نمیری محبوس بود، نزدیک شود، تا جایی که در ۱۱ تیرماه ۱۳۵۸ حسن الترابی از سوی جعفر نمیری برای تشریح برنامه‌های اسلامی‌سازی بانکداری در سودان راهی تهران شد و در قم با امام خمینی(ره) ملاقات کرد. امام خمینی(ره) امام خطاب به ترابی اظهار امیدواری کردند که همه ملت‌های اسلامی دست اتحاد و استعمار را از کشورهای خود قطع کنند و نهضتی که در ایران تحقق پیدا کرده در سایر جوامع اسلامی نیز تحقق پیدا کند. مدتی بعد ترابی به دلیل انحراف برنامه‌های اسلامی‌سازی سودان از مسیر اصلی به مخالفت با حکومت نمیری برخاست و برای چندمین‌بار به زندان افتاد. حرکت سازمان‌گرایان در سودان سرانجام به کودتای ژنرال اسرار الذهب و سرنگونی حکومت نمیری انجامید و سپس یک دولت غیرنظامی به ریاست صادق المهدی و با همکاری حسن الترابی و نیز اخوان‌المسلمین در سودان شکل گرفت. عمر این دولت نیز با زمینه‌سازی حسن الترابی و کودتای ژنرال عمر البشیر پایان یافت. البشیر با نزدیک‌شدن به حسن الترابی توانسته بود حمایت توده‌های مسلمان این کشور را به سوی خود جلب کند ولی او نیز به محض استحکام پایه‌های قدرت، حذف ترابی از صحنه سیاست را کلید زد.

پانویشت‌ها:

۱- م: جعفر نمیری- پس از تصفیه همیمانان چپ‌گرای داخلی خود سعی کرد به جریان‌های اسلام‌گرا و به طور مشخص حسن الترابی که ۷ سال در زندان رژیم نمیری محبوس بود، نزدیک شود، تا جایی که در ۱۱ تیرماه ۱۳۵۸ حسن الترابی از سوی جعفر نمیری برای تشریح برنامه‌های اسلامی‌سازی بانکداری در سودان راهی تهران شد و در قم با امام خمینی(ره) ملاقات کرد. امام خمینی(ره) امام خطاب به ترابی اظهار امیدواری کردند که همه ملت‌های اسلامی دست اتحاد و استعمار را از کشورهای خود قطع کنند و نهضتی که در ایران تحقق پیدا کرده در سایر جوامع اسلامی نیز تحقق پیدا کند. مدتی بعد ترابی به دلیل انحراف برنامه‌های اسلامی‌سازی سودان از مسیر اصلی به مخالفت با حکومت نمیری برخاست و برای چندمین‌بار به زندان افتاد. حرکت سازمان‌گرایان در سودان سرانجام به کودتای ژنرال اسرار الذهب و سرنگونی حکومت نمیری انجامید و سپس یک دولت غیرنظامی به ریاست صادق المهدی و با همکاری حسن الترابی و نیز اخوان‌المسلمین در سودان شکل گرفت. عمر این دولت نیز با زمینه‌سازی حسن الترابی و کودتای ژنرال عمر البشیر پایان یافت. البشیر با نزدیک‌شدن به حسن الترابی توانسته بود حمایت توده‌های مسلمان این کشور را به سوی خود جلب کند ولی او نیز به محض استحکام پایه‌های قدرت، حذف ترابی از صحنه سیاست را کلید زد.

یادنامه آیت‌الله عبدالکریم حق‌شناس – ۳۰

مرحوم آیت‌الله محمدری شهری

قدم اوّل، ترک محرمات و انجام واجبات

می‌گیرد! حسد، غیر از این که به تو و بدنت آسیب می‌زند، چه فایده‌ای برایت دارد؟! ثانیاً علاجش، به ضدش است؛ یعنی وقتی که نفس، امر می‌کند که مناظر محرّمه را نگاه کن، به خودت بگو: نگاه نمی‌کنم! وقتی به کسی حسادت داری، بر خلافتش رفتار کن و برای او خیرخواهی کن.^(۱)

اخلاص در عبادت

داستان آقای جالبقی را فراموش نکنید! ایشان می‌خواست بدانند چه عملی در درگاه خدا دارد. در جواب، مشاهده می‌کند که تنها دو زیارت حضرت رضا دارد و بس.

وقتی ایشان به آن ملک گفته بودند که: من کربلا هم رفتم،ام جواب دادند: آن وقت که به کربلا می‌رفتی، گفتی: هم زیارته و هم سیاحت! آن رد



شد.^(۲) اوّل، آن ته دلت را ببین که چیست. به آن یکی گفتند: چرا معطلی؟ چرا نمی‌روی زیارت؟ گفت: من باید چند تا رفیق هم‌صحبت داشته باشم! می‌خواهم آن جا یک خرّده اختلاط خانم با یکی از بزرگان ما،^(۳) وقتی خانواده‌اش از او کشش خواسته بود و گفته بود: آقا! به مشهد می‌روی، یکی قندره!^(۴) برای ما بگیر. ایشان «نه» موکّل شده‌اید. خوب، روزی او سببی دارد. شما هم اگر به همان سبب‌ساز، تو کُل کنید، او شما را هم روزی می‌دهد.^(۵)

درمان حسد

یکی از رفقا می‌پرسید: حالا من که در قلبم حقد و حسدی دارم، علاجش چیست؟ خب اوّلاً بدان و متوجه باش که اگر حسد کنی، خودت از

بین می‌روی! آیا به واسطه آن که تو در قلبت حقد و حسد کسی را داری، پروردگار نعمتش را از او

لارنس دو نوفویل، که در سال ۱۹۵۴ به رادیو اروپای آزاد اعزام شده بود، به یاد می‌آورد که در اولین ماه حضورش در آنجا پرسیده بود: «اگر مردی با بارانی به این‌جا بیاید و بگوید: «ما به همه این چیزها گوش داده‌ایم و آماده‌ایم که انقلاب کنیم» چه اتفاقی می‌افتد؟» آنها در یک جلسه ویژه هیئت‌مدیره در مورد این موضوع بحث کردند و نمی‌دانستند چه کار باید بکنند. آن رادیو، یک خانه پوشالی بود و من به آنها همین را گفتم.

همه آنها فکر می‌کردند که دارند

جنگ سرد فرهنگی: سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۱۶۴

تشویق شورشیان در قیام اکتبر

کار خوبی انجام می‌دهند اما هیچ‌کس نقشه‌ای واقعی برای انقلاب نمی‌کشید و همان‌طور که دیدیم وقایع روزگار آنها را گرفتار خودش کرد.»

در طول قیام اکتبر، رادیو اروپای آزاد بارها شورشیان را تشویق کرده بود. طبق برخی ادعاها، این رادیو حتی وعده حمایت مسلحانه داده بود، هرچند این موضوع توسط سازمان سیا به شدت تکذیب شد

و هنوز هم تکذیب می‌شود. اما به گفته دو نوفویل، آژانس اطلاعاتی آمریکا(سازمان سیا CIA) در موقعیتی نبود که چنین تکذیب‌هایی را انجام دهد، زیرا به طرز ناپاوارانه، اصلاً نمی‌دانست که بخش مجارستانی رادیو اروپای آزاد در آن روزهای

در طول قیام اکتبر، رادیو اروپای آزاد بارها شورشیان را تشویق کرده بود، طبق برخی ادعاها، این رادیو حتی وعده حمایت مسلحانه داده بود، هرچند این موضوع توسط سازمان سیا به شدت تکذیب شد و هنوز هم تکذیب می‌شود. اما به گفته دو نوفویل، آژانس اطلاعاتی آمریکا(سازمان سیا CIA) در موقعیتی نبود که چنین تکذیب‌هایی را انجام دهد، زیرا به طرز ناپاوارانه، اصلاً نمی‌دانست که بخش مجارستانی رادیو اروپای آزاد واقعاً چه برنامه‌هایی پخش می‌کند.

حساس اکتبر ۱۹۵۶ هرگز پیدا نشد. هنگامی که برای همه آشکار شد انقلاب اکتبر شکست خورده است، هزاران مجارستانی برای فرار از انتقام شوروی به اتریش گریختند. آنها با سرازیر شدن از مرز، عمدتاً به سمت وین رفتند. باز هم، آمریکایی‌ها کاملاً آماده نبودند. یوسلسون در نامه‌ای به شیرد استون در قلم‌افورد هشدار داد که «به نظر می‌رسد وضعیت پناهندگان به هرج و مرج غیرقابل تحملی تبدیل شده است.» دفتر خودمان در وین و همچنین تمام

حساس اکتبر ۱۹۵۶ هرگز پیدا نشد. هنگامی که برای همه آشکار شد انقلاب اکتبر شکست خورده است، هزاران مجارستانی برای فرار از انتقام شوروی به اتریش گریختند. آنها با سرازیر شدن از مرز، عمدتاً به سمت وین رفتند. باز هم، آمریکایی‌ها کاملاً آماده نبودند. یوسلسون در نامه‌ای به شیرد استون در قلم‌افورد هشدار داد که «به نظر می‌رسد وضعیت پناهندگان به هرج و مرج غیرقابل تحملی تبدیل شده است.» دفتر خودمان در وین و همچنین تمام

حساس اکتبر ۱۹۵۶ هرگز پیدا نشد. هنگامی که برای همه آشکار شد انقلاب اکتبر شکست خورده است، هزاران مجارستانی برای فرار از انتقام شوروی به اتریش گریختند. آنها با سرازیر شدن از مرز، عمدتاً به سمت وین رفتند. باز هم، آمریکایی‌ها کاملاً آماده نبودند. یوسلسون در نامه‌ای به شیرد استون در قلم‌افورد هشدار داد که «به نظر می‌رسد وضعیت پناهندگان به هرج و مرج غیرقابل تحملی تبدیل شده است.» دفتر خودمان در وین و همچنین تمام

در حالی که موسی در انجام مقتضی، بیشتر کوشش می‌کرد. «لَا تَفْعَلْ اجْتِهَادًا وَلَا وَزْعَ مَعَه.»^(۱) من نماز جماعت می‌خوانم، نماز اوّل وقت می‌خوانم، خیلی عبادت می‌کنم؛ اما یک حرام اگر اتفاق بیفتد، روزگاران نیستیم؛ نتیجه ندارد. داشا جون! خیری در این عبادات نیست. آن گناه، هم‌هاش را از بین می‌برد.^(۲)

ترک محرمات و انجام واجبات، ورد و ذکر آیت‌الله حق‌شناس بود. این مسئله را گاهی قدم اوّل تعبیر می‌کرد و گاهی کلاس اوّل، مرحله اوّل و بعد می‌فرمود: «اگر این مرحله اوّل را درست و مستحکم نکنی و به بالاتر بروی، از آن بالا شما را به پایین پرتاب خواهند کرد. «ما شیئنا لا املّ من انّ اتّقى الله و اطاعه»»^(۳)

ترک محرمات و انجام واجبات، ورد و ذکر آیت‌الله حق‌شناس بود. این مسئله را گاهی قدم اوّل تعبیر می‌کرد و گاهی کلاس اوّل، مرحله اوّل و بعد می‌فرمود: «اگر این مرحله اوّل را درست و مستحکم نکنی و به بالاتر بروی، از آن بالا شما را به پایین پرتاب خواهند کرد. «ما شیئنا لا املّ من انّ اتّقى الله و اطاعه»»^(۳)

ترک محرمات و انجام واجبات، ورد و ذکر آیت‌الله حق‌شناس بود. این مسئله را گاهی قدم اوّل تعبیر می‌کرد و گاهی کلاس اوّل، مرحله اوّل و بعد می‌فرمود: «اگر این مرحله اوّل را درست و مستحکم نکنی و به بالاتر بروی، از آن بالا شما را به پایین پرتاب خواهند کرد. «ما شیئنا لا املّ من انّ اتّقى الله و اطاعه»»^(۳)

آیت‌الله حق‌شناس می‌فرمود: «در ایام جوانی، یک شب در خواب، مرحوم آشیخ مرتضی زاهد را در حیاط مسجد چهل‌ستون دیدم. ایشان کنار حوض ایستاده بود و آب حوض هم یخ زده بود. از ایشان پرسیدم: آقا! برای رسیدن به مراتب عالی انسانیت! چه کنیم؟ آشیخ مرتضی از روی یخ‌ها رد شد و رفت آن طرف حوض. من هم حوض را دور زدم و کنار ایشان قرار گرفتم. فرمود: اوّل فعل واجبات و ترک محرمات، دوم، فعل مستحبات و ترک مکروهات و سوم، ترک ما سوی الله! فردای آن شب، وقتی آشیخ مرتضی زاهد را دیدم، به ایشان گفتم که: من چنین خوابی دیدم و شما این طور به من گفتید. فرمود: در بیداری هم همین را می‌گویم.»^(۴)

مرحوم آیت‌الله حق‌شناس مراحل سیر معنوی را به سه مرحله تقسیم می‌نمود: یک: ترک محرمات و فعل واجبات، دو: ترک مستحبات، سه: قطع از ما سوی الله.^(۵)

آیت‌الله حق‌شناس در بیشتر سخنرانی‌ها نوعاً به‌دو نکته تأکید داشت: یکی انجام واجبات و دیگری ترک محرمات. می‌فرمود: «این دو کار، حداقل اعمال و مقدمات راه تقوا هستند!» البته ایشان بر ترک محرمات، بیشتر تأکید می‌نمود؛ چرا که می‌فرمود: «محرمات، مانع انجام واجبات می‌شوند؛ اما اگر محرمات ترک شد، توفیق واجبات و حتی مستحبات ایجاد می‌شود.»^(۶)

۱- اوّ آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند! (مؤمنون، ۸ و معارج، آیه ۳۲). ۲- همه شما در بارهٔ

صفحه ۶

شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴
۴ ربیع الثانی ۱۴۴۷ – شماره ۲۳۹۶۳



کسانی که در چند روز گذشته از آنجا بازگشته‌اند، از فاجعه‌ای قریب‌الوقوع سخن می‌گویند، مگر اینکه فوراً اقدامات اساسی انجام شود.»

همچنین فرانک ویزنر در وین بود که درست بموقع از واشنگتن رسیده بود تا شاهد ویرانی‌های انقلاب شکست‌خورده باشد. ویزنر چنان از نظر عاطفی پریشان شد که شروع به نوشتیدن زیاد کرد. زمانی

که به ایستگاه بدی خود، یعنی رم رسید، مأموران محلی سازمان سیا در آنجا برای گذراندن شب‌های مستی او به سختی تلاش می‌کردند.

او در آتن مقداری صدف خام خورد که بر اثر آن دچار هپاتیت، تب بالا و هذیان شد. خانواده و دوستان ویزنر، افول نهایی

او به عنوان معاون ارشد آلن دالس را به سردرگمی عاطفی آن پاییز نسبت دادند.

او که به طور فزاینده‌ای تحریک‌پذیر و غیرمنطقی شده بود، در سال ۱۹۵۸ دچار

فروپاشی عصبی گردید و شخص دیگری به عنوان معاون دالس جایگزین وی شد.

ملوین لاسکی نیز به سرعت در

صحنه حضور پیدا کرد و با هیجان فراوان

بین وین و مرز مجارستان رفت و آمد

داشت.

در حالی که ویزنر خود را در یک «جستیمانی»^(۱) شخصی می‌دید، لاسکی به دلیل رضایت حاصل از تحقق یکی از

پیشگویی‌هایش، صورتش سرخ شده بود.

او با وضوح به یاد می‌آورد که گفته بود: «فضیه مجارستان به سود ما تمام خواهد

شد. منظورم این است که لازم نیست یک

پنی هم خرج آن بکنید.

مسئله مجارستان این باور ما را

اثبات می‌کند که تمامیت‌خواهی

(توتالیتاریانیزم) یک نمایش مضحکی است و این ترتیب آزادی، یعنی آزادی

بورژوایی قاطعانه در دستور کار قرار می‌گیرد.»

پانویشت‌ها:

۱- Gethsemane

جستیمانی: نام باغی در بیت المقدس که به

روایت انجیل، حضرت مسیح در شب پیش از

مصلوب شدن، در آنجا به دعا و راز و نیاز با

خدایوند پرداخت و آخرین «فدای زمینی» موسوم

به شام آخر را به همراه حواریون صرف کرد.

زیردست خود، بازخواست می‌شود» (صحیح البخاری، ج ۱ ص ۳۰۴، ۵۸۳). ۲- مواضع: ج ۱ ص ۲۰۶، ۴- (همانند

آن زن اسبک‌مغز) نیناسید که پنجم‌ای تألیفهٔ خود را پس از استحکام و امی‌تأید) (نحل: آیه ۹۲). ۵- آبی تردید به سرنگاری عظیم، دست یافته است) (احزاب: آیه ۹۱). ۶- مواضع: ج ۱ ص ۲۲۶. ۷- «فریفته، در

پیش این دو، این مسئله بزرگ است و از این گونه، جز جاز در نظرشان کوچک گشته است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

۸- مواضع: ج ۱ ص ۱۱۰. ۹- «آوردن، یعنی داشتن این مطلب که مخلوق، نه زبانی می‌زند و نه سودی می‌برد، نه می‌دهد نه جلوگیری می‌کند و این‌ها بر کندن چشم

امید از خلق» (معانی الاخبار، ص ۲۶۱). ۱۰- کلیات سمدی: ج ۱ ص ۵۸؛ سیاحت او در سیرت پادشاهان، حکایت ۲۳). ۱۱- مواضع: ج ۱ ص ۵۴. ۱۲- مواضع: ج ۴ ص ۹۱. ۱۳- مواضع: ج ۴ ص ۸۹. ۱۴- آیه‌الله که

حق‌شناس در جواب جوابی از این جریان این گونه یاد کرده است: «داستان آن آقا را که یادان هست وقتی دید که

جز یک زیارت امام رضاع) هیچ کدام از اعمال بذرفته نشده، گفت: من زبانی می‌زنم و نه سودی می‌بردارم، نه می‌دهد نه جلوگیری می‌کند و این‌ها بر کندن چشم

امید از خلق» (معانی الاخبار، ص ۲۶۱). ۱۰- کلیات سمدی: ج